



اصول معماری قدسی مبتنی بر ارزش های تاریخی

فربیا نکومنش راد^{۱*}

۱- عنوان و آدرس کوتاه نویسنده اول، آدرس رایانانه (Fariba_raadv@yahoo.com)

چکیده

معماری قدسی، معماری است رشد دهنده و تعالی بخش که در آن وحدانیت به عنوان کیفیتی هویت بخش، معیار و مبنای روح فضاست؛ وحدانیتی که با وجود تکثر و تنوع عناصر شکل می گیرد تا مخاطب چنین فضایی را به فطرت خویش رجعت داده و نمودی از کمال باطنی اش را در آن باز یابد. متأسفانه در عصر معاصر این کیفیت کالبدی بدلیل بی توجهی، رنگ باخته و معماری صرفاً به نیازهای فیزیکی پاسخ می گوید و نیازهای معنوی در نظر گرفته نمیشود و یا بسیار ناچیز مورد توجه قرار می گیرد. پژوهش حاضر با هدف بازشناسی مفهوم معماری قدسی و ارزیابی معیارها در راستای پاسخ به این پرسش که چگونه می توان شاخص های فضای قدسی را در معماری بیشتر و بهتر نمایان ساخت؟ می باشد.

روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی- ارزیابی می باشد و گردآوری اطلاعات بر مبنای مطالعه منابع کتابخانه ای، مشاهده و تحلیل محتواست.

واژگان کلیدی: معماری قدسی- هویت- عصر معاصر

مقدمه

ریشه معماری اسلامی را در روابط بعدی میان معماری و جهان هستی از دیدگاه اسلام با قوانین و اصولش در زمینه کیهان شناسی، که با عظمت خاصی در قرآن تشریح شده و در سراسر تاریخ اسلام نسل هایی از حکما آن را تشریح و تبیین کرده اند، نیز می توان پیدا کرد. این جهان هستی بر پایه هماهنگی و نظمی قرار دارد که فراتر از تجلی مستقیم وحدت در کثرت است. این عالم هستی آرامش را به منصفه ظهور می گذارد که بر خصلت آشکارا پویای آن مسلط است، چون الگوهای تغییر درون طبیعت در هر صورت بازتاب نمونه های مثالی ثابتی اند که به مراتب عالی تر هستی کلی تعقل دارند و در نهایت امکاناتی در سرشت الهی به حساب می آیند(نصر، سیدحسین، ۱۳۸۹، ص ۵۱). و همچنین هنر قدسی یا هنر دینی نیز برگرفته از هنر الهی خالق هستی بخش است که فراتر از ماده و صورت به معنا و وجود می پردازد. در جای دیگر نصر در این خصوص اینچنین می گوید: هنر دینی بخاطر موضوع یا کارکرد مربوط به آن است که "دینی" محسوب می شود نه بخاطر سبک، نحوه نگارش، نمادگرایی و منشاء غیر فردی آن. هنر سنتی، سنتی است نه بخاطر موضوع و محتوای آن بلکه بخاطر انطباق و هم خوانی آن با قوانین کیهانی صور و با قوانین نمادگرایی و با ماهیت صوری جهان روحانی ویژه ای که در آن به وجود آمده است.(نصر، سید حسین، ۱۳۸۱، ص ۲۱۰). بوکهارت برای معماری در هنرهای اسلامی، جایگاه بالایی قائل است و عنوان می نماید: «در هنر مقدس میان هنر و فن یا میان جست و جو برای زیبایی و شیوه ی ساختمانی، جدایی نیست.»(بوکهارت، تیتوس، ۱۳۶۵، ص ۱۵۱). در هنر دینی نفس متحقق کننده ی الهام و اشرافی و حقایقی است که از مراتب بالا دریافت کرده، در حالی که در هنر غیر دینی نفس هنرمند دارای استقلال است و در پی حقیقت نیست.(اعوانی، غلامرضا، ۱۳۷۵)

هنر قدسی

قدس به معنای «پاکی» و قدسی، به معنای «صالح و نیکوکار» است؛ همین طور مقدس به معنای «جای پاک و پاکیزه، به پاکی یاد شده است.»